

به اندازه آب خوردنی، ما را نمی خواهند!

مرحوم حاج محمد علی فشنودی نقل می کرد: در مسجد جمکران قم اعمال را به جا آورده، با همسر می آمدم. دیدم آقای نورانی داخل صحن شد و قصد دارد به طرف مسجد برود. با خودم گفتم: این سید در این هوای گرم تابستان، از راه رسیده و تشنه است. ظرف آبی به دست او دادم تا بنوشد؛ پس از آن که ظرف آب را پس داد، گفتم: "آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان را از خدا بخواهید، تا امر فرجش نزدیک شود".

فرمود: "شیعیان ما به اندازه آب خوردنی، ما را نمی خواهند. اگر بخواهند، دعا می کنند و فرج ما می رسد". این را فرمود و تا نگاه کردم آقا را ندیدم. فهمیدم وجود اقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت کردم و حضرتش امر به دعا کرده است.

[از فرمایشات آیت الله ناصری، مجله خُلق، بهمن و اسفند ماه سال ۱۳۹۰، شماره ۲۷.]

تو باید مرد خدا باشی!

همه موجودات حرکتشان مطابق فطرت است. ولی به این انسان نادان که می رسد مختلف می شود. بعضی بر اساس فطرت حرکت می کنند و برخی بر خلاف فطرت الهی. تو باید مرد خدا باشی! چه شد که مرد شیطان شدی؟ تو باید اهل خیر و عدالت و علم و تقوا باشی! چه شد که جنایتکار شدی، شرقی و غربی شدی؟ خود شرقیها و غربیها چه شد که شرقی و غربی شدند؟ انسانی که اشرف موجودات است، چرا چنین شد؟! همه اینها به خاطر این است که به انسان، اختیاری داده اند به او گفته اند: می خواهی به جهنم برو و می خواهی به بهشت. می گوید: ما اهل جهنم هستیم، ما نقد را رها نمی کنیم، به او باید گفت: بالاخره نسیه هم می آید، وقتی می آید که هیچ کاری نمی توانی بکنی.

[شهره آفاق، آیت الله بهاء الدینی، نشر هنارس، ۱۳۹۰، ص ۴۰]

شجاعت و پاکدامنی شما به قد ما اضافه کرده است

نزدیک ظهر عدنان وارد آسایشگاه شد و گفت: نقیب احمد اجازه داده یک اسیر برای چند دقیقه با شما حرف بزند. بعد از یک ساعت مردی میان سال و میان قامت با هیكلی رنجور و استخوانی اما چهره ای نورانی و بشاش در حالی که خنده بر لب داشت، با کیسه ای بر دوش وارد اتاق شد و گفت: من علی اکبر ابوترابی هستم، برادرها نقیب احمد را تحت فشار شدید قرار داده اند که یکی از برادران ایرانی در شرایط امنیتی برای چند دقیقه با شما صحبت کند و این امر را به من واگذار کردند. این کیسه، پر از سبزی های همین باغ است که برادرها زحمت کشیده و برایتان فرستاده اند. با دیدن حاج آقای ابو ترابی نور امیدی در دلمان تابیدن گرفت. شور و شادی بی حدی وجودمان را فرا گرفت. ... پرسید چرا لباس های شما مندرس و این همه وصله و پینه دارد؟ گفتیم: این لباس های خودمان است که از روز اول اسارت به تن داشتیم. هنوز لباس اسارت عراقی ها را تانمان نکرده ایم. با شنیدن این جمله نتوانست جلوی گریه اش را بگیرد... برادر ابوترابی گفت: ... شجاعت و پاکدامنی شما ما را سرافراز کرده، به قد همه ی ما اضافه کرده. از رنجی که شما در آن زندان ها بردید ما مردها خجالت کشیدیم و دیگر از رنج ناله نکردیم. اما خواهر ها من مأمور به پرسیدن یک سؤالم که باید جوابش را به برادر هایتان بدهم. ما برای حفظ ناموس اینجا هستیم ... اگر طی این دو سال به شما تعرضی شده ما باید تکلیف جنگ و عراقی ها را همین جا روشن کنیم. خونی که برای حفظ عصمت و حیا نریزد با دوی سرخ هیچ فرقی ندارد. گفتیم خدا را شکر، تا این لحظه در امان خدا بوده ایم. ... به عصمت مادران زهرا، فقط خدا به ما رحم کرده است. مثل لقمه ای در دهان گرگ می چرخیدیم اما گرگ می ترسید لقمه را زمین بگذارد مبادا سهم گرگ دیگری شود. سید دو باره اشک ریخت اما این بار با حق هق ... سید ... با ذکر الحمد لله، سبحان الله، لاحول ولا قوة الا بالله با ما خدا حافظی کرد.

[معصومه آباد، من زنده ام (خاطرات دوران اسارت)، چاپ دویست و پنجم، ۱۳۹۵، ص ۴۰۹ تا ۴۱۰]



سوال

آیا از طریق اینترنت به صورت چت یا ایمیل میتوان خطبه عقد را خواند؟

جواب

اگر منظور از خواندن میغه توسط اینترنت، صرف نوشتن وتایپ میغه عقد باشد، کافی نیست و باید میغه تلفظ شود و به احتیاط واجب باید عقد ازدواج با لفظ عربی صحیح خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند آن را به عربی صحیح بخوانند به هر زبانی که ترجمه آن باشد بخوانند، صحیح است. اما اگر از طریق اینترنت صدا و تصویر و یا فقط صدا شنیده و مبادله شود، اشکالی ندارد.

(استفتائات مقام معظم رهبری امام خامنه ای در سایت معظم له به آدرس: leader.ir)